

گاهنامه سخنرانی

استکبارستیزی و مقاومت اسلامی سر آغاز افول آمریکا



مدیر مسئول: دکتر یدالله جوانی
سر دبیر: زیر نظر کارشناسان اداره
تحلیل و هدایت سیاسی
تهیه و تدوین: یعقوب ربیعی

شماره: ۳۸۲
تاریخ: ۹۸/۰۸/۰۲
طبقه بندی: عادی

اداره تحلیل و هدایت سیاسی
معاونت سیاسی
نماینده ولی فقیه در سپاه

خوانندگان گرامی:

گاهنامه سخن هادی با هدف اطلاع رسانی مهمترین محورهای سخنرانی سیاسی در موضوعات مختلف جهت بهره‌برداری مسئولین و هادیان سیاسی منتشر می‌شود. ارائه انتقادات و پیشنهادات سازنده شما موجب تقویت گاهنامه خواهد شد.

چکیده

- ۱- کبر و استکبار را "حالتی از اعجاب نفس و احساس خودبرتربینی"، "پذیرفتن حق از روی عناد و تکبر" و یا "اصرار بر نشنیدن سخن حق و پذیرش دعوت الهی" تفسیر کرده اند
- ۲- بر پایه نصوص دینی مانند "وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا" و یا "وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ" نظام سلطه "مرزی جز عدول از همه هویت ها و ارزش های معنوی و الهی انقلاب اسلامی" نمی شناسد که در عرف سیاسی آنرا رابطه حامی - پیرو (patron-client) می نامند. لذا این دشمنی اولاً راهبردی و ماهوی است و درثانی قائم به شخص و موضوع نبوده و در طول تاریخ انقلاب تداوم داشته است.
- ۳- ۱۳ آبان نمادی از سه حادثه تاریخی در سالهای ۴۸، ۵۷، و ۵۸ است که وجه مشترک آن دشمن شناسی ملت، محوریت امام راحل بعنوان رهبر نهضت، هویت ضد امریکایی انقلاب اسلامی، مخالفت نظام سلطه با جنبش های اصیل مردمی، مواجهه ماهوی نظام سلطه با هویت دینی و ملی جامعه ایرانی می باشد.
- ۴- سه پاسخ در چرایی تسخیر لانه جاسوس آمریکا می توان مطرح نمود:
- ۴-۱- عقبه ذهنی در جامعه ی ایرانی از رفتارهای تحقیر آمیز آمریکا در وقایعی تاریخی قبل از انقلاب مانند کودتای ۲۸ مرداد
- ۴-۲- عنادهای امریکایی ها با انقلاب نوپای اسلامی مانند پذیرش شاه در ایالات متحده
- ۴-۳- بررسی رفتار آمریکا در کشورهای مختلف در طول ۱۰۰ سال گذشته نشان می دهد این کشور به طور مستقیم و یا غیر مستقیم در بیش از ۶۰ کودتا و جنگ داخلی نقش داشته و ماندن آنها در ایران قطعاً سرنوشتی شبیه ۶۰ کشور دیگر برای ما رقم می زد.
- ۵- فشار حداکثری آمریکا بر ایران با هدف براندازی جمهوری اسلامی تدارک دیده شد اما گذار ایران از رفتار منعطف و منفعلانه پس از اردیبهشت ۹۸ به "راهبرد مقاومت فعال" باعث تغییر در دستگاه محاسبات، نوع بیان و شیوه ی رفتار طرف مقابل گردیده است.
- ۶- افول باطل یکی از وعده های حق است البته درباره آمریکا این امر مورد اعتراف برخی از اندیشمندان غربی با عنوان افول موریانه ای (termite decline) بوده است. اندیشمندان شواهد چنین افولی را ظهور قدرتهایی مانند چین، بدهکاری سنگین امریکایی ها، افزایش هزینه های نظامی، خروج از پیمانهای بین المللی و اتخاذ نوانزوگرایی می دانند.

استکبارستیزی و مقاومت اسلامی سر آغاز افول آمریکا

مقدمه

روزها به ظاهر فراز و فرودی طبیعی دارند و در نگاه علمی واجد تمایز جدی از هم نیستند. اما در تاریخ ملت‌ها روزهایی وجود دارد که در پرتو ایثارگری‌ها، وفاداری‌ها و خدمات مخلصانه انسان‌های الهی رنگ و بوی حیات می‌گیرند و به ظرف پیدایش عظمت، غیرت، عزت ملی و استقلال سیاسی کشورها و ملت‌ها تبدیل می‌شوند و خود را به روزهای به یاد ماندنی و الهی تبدیل می‌کنند.

روزها و مناسبت‌های فراوان انقلاب اسلامی مانند ۱۲ و ۲۲ بهمن که طلوع خورشید انقلاب اسلامی شدند، روز سوم خرداد، ۹ دی و ... با این نگاه جزء ایام الله هستند. نظر مشترک مفسران در خصوص اضافه «ایام» به «الله» اشاره به روزهای سرنوشت ساز و مهم در زندگی انسان‌ها را افاده می‌نماید که به خاطر عظمتش به نام «الله» آراسته و اضافه گردیده است.

قطعاً ۱۳ آبان‌ها که در کشور ما محمل پیدایش حوادث مهمی بوده و در شکل‌دهی تاریخ انقلاب اسلامی نقش سترگ و سرنوشت‌سازی داشته از روزهای الهی است. تحولات سیاسی - اجتماعی ثبت شده در روز ۱۳ آبان نقاط عطف مهمی در تاریخ ایران بوده‌اند و هر کدام تحولی را در تاریخ مبارزات ضد استکباری و ضد استبدادی مردم ایران آفریده‌اند که باید به حکم قرآن و عقل، آنها را بزرگ و گرامی داشت: «وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ». (ابراهیم/۵)

مفهوم‌شناسی استکبار

واژه «استکبار» از ریشه کبر، به معنای «عظمت و بزرگی قدر» است. راغب اصفهانی «کبر» را حالتی از اعجاب نفس و احساس خودبرتربینی می‌داند. ابن منظور اما، استکبار را به معنای نپذیرفتن حق از روی عناد و تکبر تعریف می‌کند و علامه طباطبایی نیز در تفسیر المیزان در ذیل آیه هفتم سوره مبارکه نوح، استکبار را به معنای «اصرار بر نشیندن سخن حق و پذیرش دعوت الهی» تفسیر می‌کند.^۱

مفهوم استکبار و چیستی استکبارستیزی یکی از موضوعات اصلی در اندیشه رهبر معظم انقلاب است و ایشان به - تفصیل این موضوع را تشریح کرده‌اند. معظم‌له در یکی از سخنرانی‌هایشان به مناسبت ۱۳ آبان در جمع دانش‌آموزان و دانشجویان مشخصاً به معنای استکبار و مستکبر می‌پردازند و می‌فرمایند:

۱- افتخاری، اصغر و مجتبی باباخانی، (۱۳۹۴)، «معناشناسی استکبار در قرآن کریم»، فصلنامه آموزه‌های قرآنی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی،

استکبار یعنی چه؟ استکبار یک تعبیر قرآنی است؛ در قرآن کلمه‌ی استکبار به کار رفته است؛ آدم مستکبر، دولت مستکبر، گروه مستکبر، یعنی آن کسانی و آن دولتی که قصد دخالت در امور انسانها و ملت‌های دیگر را دارد، در همه‌ی کارهای آنها مداخله می کند برای حفظ منافع خود؛ خود را آزاد می داند، حقّ تحمیل بر ملت‌ها را برای خود قائل است، حقّ دخالت در امور کشورها را برای خود قائل است، پاسخگو هم به هیچ کس نیست؛ این معنای مستکبر است.^۲ رهبر انقلاب، استکبار را یک شبکه‌ای سرمایه‌دار و استعمارگر در سطح دنیا می‌داند و مظهر آن را حکومت آمریکا، سیاستمداران و سرمایه‌داران صهیونیست و سیاستمداران تحت اراده آن‌ها می‌داند.^۳

نگاهی معرفت شناختی به بدبینی امام (ره) و رهبر معظم انقلاب به استکبار

برخی از آنچه موجب کنش یک سیاستمدار می شود حاصل نگاه و شناخت معرفتی او به پیرامون است. مطمئناً دیدگاه رهبر معظم انقلاب براساس نگاه معرفت شناختی ایشان - که حاصل تجربه های تاریخی ذکر شده و نصوص دینی خصوصاً قرآن است - می باشد. قرآن کریم، مسلمانان و مومنین را در تعامل نسبت به دشمن به بصیرت توأم با بدبینی دعوت می کند و می فرماید:

«وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنْ هَدَىٰ اللَّهُ هُوَ الْهَدَىٰ وَلَئِنَّ آتِبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ»

«هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد مگر آنکه پیروی از آیین آنها کنی. بگو: راهی که خدا بنماید به یقین راه حق تنها همان است؛ و البته اگر از میل و خواهش آنها پیروی کنی بعد از آنکه طریق حق را دریافتی، دیگر از سوی خدا یار و یابوری نخواهی داشت.»

(سوره بقره، آیه ۱۲۰)

«وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا»

«و آنان پیوسته با شما می جنگند تا اگر بتوانند شما را از دینتان برگردانند» (سوره بقره، آیه ۲۱۷)

حضرت امام رحمه الله عليه عمق کینه و دشمنی دشمنان نظام را این گونه تبیین فرمودند:

" نکته مهمی که همه باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم این است که دشمنان ما و جهانخواران تا کی و کجا ما را تحمل می کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند؟ به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویت ها و ارزش های معنوی و الهی مان نمی شناسند به گفته قرآن کریم هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما بر نمی دارند مگر این که شما را از دین تان برگردانند... آری اگر ملت ایران از همه اصول و موازین اسلامی و انقلابی خود عدول کند و خانه عزت و اعتبار پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام را با دستهای خود ویران نماید ، آن وقت ممکن است جهانخواران او را به عنوان یک ملت ضعیف و فقیر و بی فرهنگ به

۲- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار دانش آموزان و دانشجویان، (۱۳۹۲/۸/۱۲)

۳- رک.، بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مردم کازرون، (۱۳۸۷/۲/۱۶) و بیانات معظم له در دیدار در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی،

(۱۳۸۷/۱/۱)

رسمیت بشناسند ولی در همان حدی که آنها آقا باشند ما نوکر، آنها ابر قدرت باشند ما ضعیف، آنها ولی و قیم باشند، ما جیره خوار و حافظ منافع آنها، نه یک ایران با هویت ایران اسلامی.^۴

آنچه از بیانات و دستگاه اندیشه‌ای امام راحل و رهبر معظم انقلاب برمی آید این است که زمانی استکبار از یک کشور خشنود می شود که زندگی مستقل سیاسی را کنار گذاشته و به تعبیر امام خمینی (ره) روی به "جیره خواری" آورد. این نوع رابطه را معمولاً در عرف سیاسی رابطه حامی- پیرو (patron-client) می نامند که کشور ضعیف تر به منظور حفظ امنیت خود وابسته به یک کشور قدرتمند می شود. البته شرط این نوع رابطه، داشتن مزیت برای کشور قدرتمند و یا به اصطلاح، کشور حامی، از طرف کشور ضعیف تر است. اگر بخواهیم به زبان ساده این نوع رابطه را توضیح بدهیم، کشور ضعیف تر برای تأمین امنیت کشور خود، که معمولاً از مقبولیت داخلی نیز برخوردار نیست و حاکمان آن به وسیله جنگ داخلی و با پشتیبانی کشورهای دیگر به سلطه می رسند، به یک کشور قدرتمند باج و خراج می دهد.

رهبر معظم انقلاب در سخنرانی خود در دیدار با کارگزاران نظام در بحث خود درباره تجربیات برجام، بیان داشتند که تجربه دوم حاصل از برجام را کسب بینش و فهم نسبت به "عمق دشمنی" آمریکا نسبت به جمهوری اسلامی می دانند و می فرمایند:

"تجربه‌ی دوّم، عمق دشمنی آمریکا با ایران و با جمهوری اسلامی است. دشمنی، دشمنی عمیق است، دشمنی سطحی نیست. مخالفت بر اساس و بر محور مسئله‌ای مثل مسئله‌ی اتمی نیست، این را همه فهمیده‌اند؛ بحث، فراتر از اینها است. بحث این است که اینها با نظامی که در این منطقه‌ی حسّاس سر بلند کرده، ایستاده، قد برافراشته، رشد کرده، با ظلمهای آمریکا مخالفت میکنند، نسبت به آمریکا هیچ‌گونه ملاحظه‌کاری نمیکنند، روحیه‌ی مقاومت را در منطقه توسعه میدهد، پرچم اسلام را در دست گرفته مخالفتند؛ عمیقاً مخالفتند. مسئله‌ی آنها این است که این نظام اسلامی و جمهوری اسلامی نباید باشد؛ نه فقط این نظام نباشد، [بلکه] آن مردمی که این نظام را حمایت میکنند یعنی ملت ایران هم منفور سران حکومتهای آمریکایند."^۵

در یک جمع بندی و براساس بیانات رهبر معظم انقلاب در سالهای گذشته و بیانات اخیر ایشان در جمع مسئولان نظام، می توان ۴ اصل را درباره عمق دشمنی نظام استکبار به رهبری آمریکا و جمهوری اسلامی استنتاج نمود:

۱- اختلاف و تضاد بین نظام استکبار و جمهوری اسلامی ماهوی و محتوایی است نه شکلی. به زبان ساده تر غرب و خصوصاً آمریکایی ها، با اصل جمهوری اسلامی مخالفت داشته و تعامل یا تقابلهشان با نظام در همه‌ی دوره های گذشته، حال و آینده به جهت خنثی سازی و یا براندازی نظام می باشد.

۴- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۳۷.

۵- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار سران قوا و جمعی از مسئولان و کارگزاران نظام، ۹۷/۳/۲.

۲- اصل دوم برآمده از بیانات رهبر معظم انقلاب این است که تضاد غرب و آمریکا با جمهوری اسلامی یک تضاد راهبردی است نه تاکتیکی. فهم این اصل برای نیروهای انقلاب - در همه ی سطوح - می تواند منجر به دو نتیجه شود:

۱-۲- روی آوردن غرب به مذاکره، یا حاصل از استیصال ایشان است یا حربه ای برای کند کردن پیشرفت ها و توانمندی های طرف مقابلشان.

۲-۲- اصل دوم عدم پابندی به ارزشهای اخلاقی است، یعنی هر لحظه غربی ها به خواسته های خود تحقق ببخشند، معاهدات موجود را زیر پا گذاشته و به آن پایبند نخواهند بود.

۳- نتیجه سوم از مجموعه بیانات رهبر معظم انقلاب پیرامون عمق دشمنی غرب و آمریکا نسبت به جمهوری اسلامی، این است که این دشمنی قائم به شخص نیست. این فرض را به دو صورت می توان تصور نمود، یعنی اولاً هر شخصی از هر جناحی در آمریکا بر سر کار باشد این تضاد به شیوه های مختلف ادامه خواهد داشت؛ ثانیاً بر سر کار آمدن افراد مختلف در ایران از جریانهای متفاوت فکری و سیاسی بر این دیدگاه و عناد تأثیری نخواهد گذاشت.

۴- اصل آخری که می توان استنتاج نمود این است که تضاد موجود بین جمهوری اسلامی ایران و آمریکا قائم به موضوع نیست. این اصل را رهبر معظم انقلاب به صورت مکرر در چند سال گذشته تبیین نموده اند که دشمنی آمریکایی ها صرفاً منوط به موضوع هسته ای نیست و برطرف شدن این موضوع موجب مطرح شدن موضوعات دیگر خواهد شد.

با توجه به آنچه گفته شد می توان چرایی این دشمنی عمیق آمریکا و غرب نسبت به جمهوری اسلامی - در بیانات رهبر معظم انقلاب - را بر مبنای دو اصل تضاد تمدنی - هویتی و تقابل در نوع کنش منطقه ای و بین الملل مورد پژوهش و واکاوی قرارداد:

یکی از بدیهی ترین گزاره های پذیرفته شده در مورد آمریکا این است که این کشور خود را در تقابل با اسلام ضد استکباری تعریف کرده و اقدامات خود در عرصه ی بین المللی را بر این اساس تنظیم می کند. ساموئل هانتینگتون در کتاب «برخورد تمدن ها و بازسازی نظم جهانی» می گوید: «خصومت هزار و چهارصدساله اسلام و غرب در حال افزایش است و روابط میان دو تمدن اسلام و غرب آستان بروز حوادثی خونین می شود»، هانتینگتون جهان امروز را به بخش های فرهنگی متفاوتی تقسیم می کند و معتقد است آن قسمت از جهان که دارای فرهنگ اسلامی است، اصلی ترین دشمن احتمالی غرب خواهد بود و وظیفه ی برخورد و مبارزه با دشمنی که هانتینگتون تصور می کند بر عهده ی آمریکا به عنوان نماد غرب است. او در کتابش می نویسد: «تازمانی که اسلام، اسلام باقی بماند و تا زمانی که غرب، غرب باقی بماند، تنها عامل تعیین کننده روابط موجود میان این دو دایره فرهنگی عظیم و دو سبک متفاوت

زندگی، کشمکش بنیادین میان آن دو خواهد بود.^۶ در این چارچوب است که آمریکا تلاش می‌کند تا اسلامی که ایران نمایندگی می‌کند و در صدد است آن را به عنوان الگو به سایر ملل مسلمان و غیرمسلمان معرفی کند را به هر طریق ممکن تضعیف کرده و به حاشیه براند و حتی اگر توانست از صحنه خارج کند.

از سویی فروپاشی شوروی و به دنبال آن نظام دوقطبی و غرور ناشی از احساس پیروزی آمریکا، این کشور را به یک جانبه‌گرایی و مداخله‌گرایی بیشتر سوق داد؛ به گونه‌ای که برای رسیدن به مقصود خود، از ابزار نرم و دموکراتیک و بنا بر شرایط، از ابزار سخت و زور، استفاده کرده و می‌کند. آن‌ها به دنبال اجرای طرح نظم نوین جهانی به رهبری آمریکا هستند. در این طرح، آمریکا به عنوان تنها ابرقدرت باقی مانده، پایبند به هیچ قاعده‌ی محدودیت‌زایی نیست و بی‌پرده خواهان تسلیم بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی است. با این وصف، برخورد آمریکا با ایران امری غیرمنتظره نخواهد بود و طبیعی است که ایران از نظر آمریکا یاغی و محور شرارت خوانده شود و دلیل آن هم تجاوزگری ایران نیست، بلکه صرفاً به این دلیل است که ایران از نظم جهانی تک‌قطبی پیروی نمی‌کند و بلکه ورای آن با آن مخالفت و ضدیت نیز می‌کند. نمود آن در نظم مطلوب مورد نظر ایران بارز است؛ نظمی که فاصله‌ی زیادی با نظم موجود (نظم مطلوب آمریکا) در عرصه‌ی بین‌المللی دارد.

ری تکیه در یادداشتی در روزنامه‌ی «واشنگتن پست»، به صراحت به ماهیت ایدئولوژیک دشمنی بین ایران و آمریکا اشاره می‌کند و بیان می‌دارد: «هسته‌ی این درگیری‌ها [درگیری بین ایران و آمریکا] ایدئولوژیک است: تهران نمی‌خواهد ما موفق شویم و ما نباید بخواهیم تهران غالب شود.»^۷ ری تکیه به درستی تحلیل می‌کند. مانع اصلی عدم بهبود روابط ایران و آمریکا، از یک سو رفتار استکباری آمریکا و در دیگر سو استکبارستیزی ایران است. هریک از این دو کشور نیز این رفتار را در چارچوب ایدئولوژیک و ماهیت حکومت خود قرار داده است. لذا مادامی که هریک از طرفین، تغییر رفتار خود را به منزله‌ی تحول در ایدئولوژی و ماهیت خود می‌داند، نه تنها رابطه، بلکه هرگونه مذاکره بی‌نتیجه می‌ماند که این موضوع در مورد هر دو بازیگر مصداق دارد.

۱۳ آبان تجلی استکبارستیزی ملت ایران

در ۱۳ آبان سه حادثه مهم به وقوع پیوسته است که در تاریخ به عنوان سه رخداد بزرگ سیاسی ثبت شده است:

۱- آبان ۱۳۴۳ تبعید حضرت امام به ترکیه؛

۲- ۱۳ آبان ۱۳۵۷ قتل عام و کشتار دانش آموزان و دانشجویان توسط مزدوران رژیم شاه؛

۳- ۱۳ آبان ۱۳۵۸ تسخیر لانه جاسوسی آمریکا به همت دانشجویان مسلمان پیرو خط امام؛

۶- ساموئل هانتینگتون، برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی، مترجم: محمدعلی حمیدرفیعی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی؛ ۱۳۷۸، صص ۱۷-۲۱.

۷- https://www.washingtonpost.com/opinions/the-us-needs-a-deal-with-iran-not-detente/2014/01/12/9fvd1c46-7a44-11e3-b1c5-739e63e9c9av_story.html.

اگر چه رخداد ۱۳ آبان در سه فاصله زمانی با سه هویت متفاوت حادث شده، اما هر سه حادثه پیام و هدف مشترکی را تعقیب می کردند که مبارزه با سلطه گری و استقلال خواهی برجسته ترین وجه اشتراک آنها بوده است. البته پیام ها و اهداف دیگری را هم می توان برای این زنجیره تاریخی استکبارستیزی قائل شد که مهمترین آنها عبارتند از:

الف: در هر سه اتفاق بازیگر اصلی و کارگردانی با آمریکا است و آمریکا نقش محوری را بر عهده دارد. این موضوع از نگاه تیزبین و دشمن شناس مردم ایران به دور نماند. به همین دلیل، رویکرد مردم نیز در هر سه رخداد آمریکا را نشانه گرفت و ۱۳ آبان هویتی ضد آمریکایی یافت.

ب: برغم ظرف زمانی مختلف، با نگاهی روندشناسانه هر سه رخداد حرکتی ممتد و در ادامه مبارزه با استکبار جهانی بوده و اجزاء مشترک یک حرکت به شمار می آیند.

ج: هر یک از سه حادثه چهره ای از استکبار را در برخورد با جنبش های اجتماعی و مردمی نشان می دهند.

د: هر سه رخداد بیانگر مواجهه ماهوی نظام سلطه با هویت دینی و ملی جامعه ایرانی است. به عبارتی دشمنی و ضدیت آمریکا در قبل و بعد از انقلاب با نظام هویتی جامعه ایران بوده است نه با دولت. دو تا از رخدادها قبل از انقلاب بوده زمانی که هنوز دولت اسلامی شکل نگرفته است. اما بعد از انقلاب تشدید شده است.

ه: هر سه رخداد تابلوی تاریخی از جنگ حق و باطل، نبرد دموکراسی خواهی با استبداد داخلی و استبداد جهانی بوده اند، آمریکا چهره محوری مقابله با حرکت های مردمی در ایران بوده و هست.

و: هر سه رخداد رویکرد و ماهیت دینی و ملی داشته و در هر سه دوره تاریخی، همگرایی با رهبری واحد و همسویی با گفتمان دینی به محوریت امام راحل (ره) مشهود است.

ز: در هر سه مقطع آمریکا با نام و عنوان حمایت از مردم و با شعار مشکل گشایی با طرح های عامه پسندانه وارد شده، ولی در عمل با نقض عهد، بنیادهای دینی و ملی را هدف قرار داده و مشکل سازی کرده است.

برهان خلف در تسخیر لانه جاسوسی

در پاسخ به اینکه چرا سفارت آمریکا موسوم به لانه جاسوسی تسخیر گردید؟ علت و چرایی تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ۱۳ آبان ۵۸ را اولاً می توان حاصل یک عقبه ذهنی در جامعه ی ایرانی از رفتارهای تحقیر آمیز آمریکا در وقایعی تاریخی قبل از انقلاب مانند کودتای ۲۸ مرداد و در ثانی حاصل عنادهای آمریکایی ها با انقلاب نوپای اسلامی مانند پذیرش شاه در ایالات متحده دانست. اما سئوالی که ممکن است مخاطبان عام خصوصاً نسل های جوانی که انقلاب را درک نکرده اند را با خود مواجه کند، درست یا نادرست بودن چنین اقدامی است؛ لذا یکی از راههای پاسخ دهی به چنین شبهه ای استفاده از "برهان خلف" در پاسخگویی است. علما در تعریف برهان خلف گفته اند " به معنای

برهانی است که در آن مطلوب را با ابطال نقیض آن ثابت می‌کنند.^۸ برای تحقق برهان خلف درباره درست یا نادرست بودن تسخیر لانه‌ی جاسوسی مرووری بر رفتار سفارت آمریکا در قبال انقلاب‌ها و حکومت‌های مردمی مفید فایده است.

اندکی پس از کودتای سال ۲۰۰۴ آمریکا در هائیتی، «آیرا کورزبان» وکیل «ژان برتراند آریستاید» رئیس‌جمهور این کشور در میامی آمریکا طی سخنرانی خود یک سؤال و جواب جالب را مطرح کرد: "چرا تا کنون در واشنگتن کودتا شکل نگرفته است؟ چون در واشنگتن «سفارت آمریکا» وجود ندارد".^۹ نگاهی به تاریخ اقدامات آمریکا در کشورهای مختلف در طول ۱۰۰ سال گذشته نشان می‌دهد این کشور به طور مستقیم و یا غیر مستقیم در بیش از ۶۰ کودتا و جنگ داخلی نقش داشته و در تعداد دیگری از این کودتاها و یا جنگ‌های داخلی در دیگر کشورها نیز ناکام مانده است. نمونه‌ای از رفتارهای وحشیانه‌ی آمریکا در دیگر کشورها را در جدول زیر می‌توان مشاهده نمود:

کشور	سال وقوع	واقعه
یونان	۱۹۴۹	به اعتراف ماکویگ سفیر وقت آمریکا در آتن در سال ۱۹۴۹ آمریکا با فتنه‌انگیزی در یونان جنگ داخلی این کشور را به راه انداخت که ۱۵۴ هزار نفر کشته، ۴۰ هزار نفر بازداشت و زندانی و ۶ هزار نفر به موجب احکام نظامی صادره توسط دادگاه نظامی یونان اعدام شدند.
گواتمالا	۱۹۵۴	سازمان سیا از براندازی دولت گواتمالا به ریاست "جاکوئو آربنز" که با رأی مردم انتخاب شده بود حمایت کرد. جنگ داخلی گواتمالا در ۱۹۵۴ نزدیک به ۲۰۰ هزار کشته در پی داشت.
لائوس	۱۹۵۸	بین سال‌های ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۰ سیا حداقل مهندسی و طراحی سه کودتا به رهبری ژنرال «فومی نوساوان» را برای دور نگه داشتن گروه‌های چپ‌گرا از قدرت را بر عهده داشت. در این مدت آمریکایی‌ها اقدام به تخلیه دو میلیون تن بمب بر سر مردم بی‌گناه لائوس کرد.
اندونزی	۱۹۶۵	در سال ۱۹۶۵ سازمان اطلاعات و جاسوسی آمریکا - سیا کودتایی نظامی به رهبری «سوهارتو» علیه «سوکارنو»، رئیس‌جمهور وقت اندونزی تدارک دیده و به اجرا می‌گذارد؛ به دنبال اجرای این کودتای بیش از یک میلیون شهروند اندونزیایی قربانی شدند.
شیلی	۱۹۷۳	در ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ سازمان اطلاعات و جاسوسی آمریکا کودتایی علیه «سالوادور آلنده»، رئیس‌جمهور وقت شیلی به اجرا گذاشت که در نتیجه آن نه تنها آلنده کشته می‌شود که این کودتا اعدام ۳۰ هزار نفر و بازداشت و زندانی شدن ۱۰۰ هزار نفر را در شیلی به دنبال داشت.

۸- خوانساری، محمد، فرهنگ اصطلاحات منطقی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۶، ص ۴۷.

از نمونه های کودتا و دخالت های آمریکا در دیگر کشورها بیشتر از این می توان نوشت ۱۰؛ اما براساس برهان خلف اگر لانه ی جاسوسی آمریکایی ها تسخیر نمی گردید چه می شد؟ ۷۶ جلد کتاب از اسناد لانه ی جاسوسی آمریکا نشان می دهد که آمریکایی ها سه کودتا جهت سرنگونی جمهوری اسلامی طراحی کرده بودند. یکی از کودتاها با عنوان کودتای پارس نام گذاری شده بود که توسط سلطنت طلبان طراحی، اما در نطفه خفه گردید. کودتای دیگری موسوم به نقاب در حال عملیاتی سازی بود که آمریکایی ها نیز در طراحی آن نقش بسزایی داشتند، اما آن هم با شکست مواجه شد. یکی دیگر از کودتاها نیز توسط آمریکایی ها و به کمک امرای ارتش طراحی و تهیه گردیده بود که آن هم بدر نطفه خفه گردید.

همچنین آمریکایی ها تلاش داشتند تا از طریق جذب اپوزیسیون داخلی، دخالت هایی را در ایران ترتیب دهند و مخالفان را برای براندازی تحریک کنند. به همین علت شخصیت های اپوزیسیون و کسانی که ظرفیت اپوزیسیون شدن داشتند، توسط سفارت آمریکا مورد توجه ویژه ای قرار می گرفتند. لذا وجود و استمرار لانه ی جاسوسی قطعاً ادامه ی انقلاب و نظام اسلامی را با چالش های متعددی روبه رو می نمود.

استکبار جهانی از دریچه ی امروز

آنگونه که در بخش های پیشین نوشته شد دشمنی نظام استکبار به رهبری آمریکا ماندگار و قائم به شخص و موضوع نیست. لذا در هر فصل از انقلاب به رنگ و رخساری نوین رو نمایانده است. که محوریت دشمنی آنها در دهه ۸۰ و ۹۰ مسئله ی هسته ای بوده است. البته برخی خیال می نمودند با انعقاد برجام این دشمنی تقلیل خواهد یافت، اما تحریم ها و بدعهدی های حین حضور در برجام و در آخر خروج از برجام خلف وعده ی آنها را نشان داد. اقدام آمریکا در خروج از برجام در سال ۹۷ با این قصد بود که تهران همچنان به تعهدات هسته ای برجامی خود پایبند باشد و از آن سو تمام تحریم ها، فشارها و حتی سایه جنگ بر خود را بپذیرد و چنین امری موجب می شد که توان ایران به شدت تضعیف گردیده و نهایتاً تهران از موضع ضعف وارد مذاکره در خصوص مولفه های قدرت ساز خود گردد. در کنار آن هم مسئله بازرسی های مداوم آژانس، محدودیت های جدی هسته ای برجامی و نظایر آن هم در خصوص پرونده فعالیت های هسته ای ایران هم ادامه داشته باشد. یعنی شرایطی که در نهایت تنها و تنها ایران در توافق هسته ای باقی بماند و تنها تهران باشد که پایبند به مفاد برجام است و علاوه بر آن به خواست های جدید آمریکایی ها تن در دهد.

فرض آمریکایی ها بازی سه سر برد با جمهوری اسلامی بود. یعنی به زبان ساده این رفتارها یا منجر به براندازی جمهوری اسلامی می گردید. البته برخی کارشناسان داخلی آمریکا صرفاً به براندازی جمهوری اسلامی هم قانع نبوده و معتقد بودند که باید ایران را به کانتون های کوچک تقسیم نمود. چنانکه پیام ویلیام برنز به ترامپ هم این بود که حتی

اگر جمهوری اسلامی را سرنگون کنید، باز هم همین مشکلات را با دولت بعدی خواهید داشت چرا که ایران دارای ظرفیت های درونی است که هر فردی در ایران به حکومت برسد همه این مشکلات و دغدغه ها برای آمریکا در قبال ایران ادامه خواهد داشت.^{۱۱}

فرض دوم آمریکایی ها مبتنی بر این بود که با فشار حداکثری ممکن است ایران به مذاکره مجدد روی آورد که نتایج حاصله به شرح ذیل بود:

۱- حفظ و توسعه ی ساختار کلی تحریم ها؛

۲- تضعیف یا نابودی مولفه های قدرت جمهوری اسلامی در مذاکرات مجدد؛

۳- تقویت هم پیمانان نظامی و سیاسی ایالات متحده ی آمریکا در منطقه ی غرب آسیا؛

۴- دخالت در امور داخلی ایران بواسطه ی دو ابزار نفوذ و ایجاد اغتشاش حاصل از نارضایتی های موجود.

فرض سومی که آمریکایی ها مدنظر داشتند تقابل ایران با رفتارهای خشن آنها بود که این تقابل براساس تئوری "بازی بزدل" یا "chicken game" منجر به فروپاشی ایران به عنوان قدرت کوچکتر می گردید.

دیپلماسی منعطف و گاه منفعل ایران قبل از اردیبهشت ۹۸ این تصویر اشتباه را در ذهن کاخ سفید و اروپایی ها شکل داده بود که حتی با تجاوز احتمالی به ایران، تهران هیچ گونه عکس العمل جدی از خود نشان نمی دهد. همین مسئله سبب شده بود تا برخی مواضع و اقدامات تهاجمی از سوی کاخ سفید بعد از خروج از برجام شکل گیرد. اما با تصمیم ایران در ۱۸ اردیبهشت ۹۸ برای کاهش تعهدات هسته ای، سرنگون کردن پیمان متجاوز آمریکایی، توقیف نفتکش انگلیسی، استفاده از ابزارهای منطقه ای و ... شمایل یک ایران قدرتمند به جهان مخابره شد که نمی توان با آن بازی کرد. این مسئله محاسبات آمریکایی ها به هم ریخت. چون اکنون اروپا و آمریکا به این یقین و باور رسیده اند که هرگونه تعرض، تجاوز و فشار بر ایران بدون هزینه نخواهد بود و سناریو های آمریکا در قبال ایران با چالش های بسیار جدی روبه رو گردید.

اعلام و اعمال راهبرد مقاومت فعال

لذا گذار ایران از رفتار منعطف و منفعلانه ی گذشته به "راهبرد مقاومت فعال" باعث تغییر محاسبات و رفتار نظام استکبار گردیده و موجب دستاوردهای بسیاری گردید. برخی از مهم ترین دستاوردهایی که "راهبرد مقاومت فعال" در پی داشته را چنین می توان می توان برشمرد:

۱- اولین و یکی از مهم ترین اتفاقات این است که تصویر ذهنی دشمن از ایران، محاسبات و امکانات آن و منطق حاکم بر تصمیمات آن دگرگون شده است. این یک واقعیت انکارناپذیر است که رفتار کم و بیش منفعلانه یک سال مابعد خروج آمریکا از برجام، نوعی بدآموزی در ذهن دشمن ایجاد کرده بود مبنی بر اینکه می تواند فشار بیاورد و

^{۱۱} - <http://farahankhabar.ir/topnews/۱۰۲۷۰>

پاسخ نگیرد و همچنین برجام به عنوان مهم‌ترین دارایی راهبردی آمریکا در ایران مصون و بدون هرگونه آسیب باقی بماند. اکنون دشمن می‌داند که اصطلاحاً تنش، موازنه شده و دوران فشار با هزینه صفر به پایان رسیده است. شاید ایران نتواند محاسبات آمریکا را به سادگی تغییر بدهد یا روند فشارها را متوقف کند ولی حداقل این است که توانسته در همین زمان کوتاه این موضوع را تثبیت کند که به اندازه‌ای که فشار ببیند پاسخ خواهد داد و برای این کار امکانات، اراده و اجماع لازم را دارد.

۲- دومین نکته این است که با به خطر افتادن سرنوشت برجام و همچنین ایجاد دورنمای تشدید تنش‌ها، روند جدی از تغییر محاسبات در طرف غربی آغاز شده است. این امر خود را در پیشنهادهایی نشان می‌دهد که واسطه‌ها پی در پی به ایران می‌آورند. اگرچه این پیشنهادهای هنوز فاصله بسیار زیادی تا حداقل‌های مدنظر ایران دارد و ضمناً فعلاً هدف آنها متوقف کردن روند جدید راهبردی ایران است نه عمل صادقانه به تعهدات در قبال ایران اما صرف تغییر معنادار پیشنهادهای به نسبت آن چیزی که تا همین چند ماه گذشته می‌شنیدیم، نشان‌دهنده آن است که راهبرد جدید در مسیر درستی حرکت می‌کند.

۳- دستاورد سوم بی‌اعتبار شدن تهدید نظامی از یک سو و آشکار شدن ناکارآمدی کامل رژیم تحریم‌ها از سوی دیگر، به عنوان ۲ ابزار اصلی است که همواره غرب تلاش کرده با تکیه بر آنها سیاست اعمال فشار خود بر ایران را تنظیم کند. در همین زمان کوتاه و بویژه پس از تحولات فشرده پس از انهدام پهپاد آمریکایی و توقیف نفتکش انگلیسی، همه بازیگران اصلی و در راس همه آنها افکار عمومی در ایران، کاملاً متوجه شده‌اند هم تهدید نظامی علیه ایران یک گزینه کاملاً بی‌اعتبار است و اتفاقاً گزاره درست این است که گزینه نظامی چیزی است که آمریکا بسیار بیش از ایران از آن هراس دارد؛ و هم ظرفیت تحریم‌ها به عنوان اصلی‌ترین گزینه اهرم فشار بر ایران به انتها رسیده و تهی شده است. خالی کردن سبد گزینه‌های غرب و هیمنه‌زدایی از اهرم‌های آن دستاورد بسیار مهمی است که حاصل آمدن در این زمان کوتاه را بعداً احتمالاً استراتژیست‌ها به عنوان یک شگفتی راهبردی ثبت خواهند کرد.

۴- چهارمین و شاید مهم‌ترین دستاورد این است که گفتمان مقاومت در ایران اجتماعی و فراگیر شده و بیرون از حکومت، با سرایت سریع به لایه‌های مختلف جامعه، با سرعت بالا در حال اجتماعی شدن است. احتمالاً کابوسی بزرگ‌تر از این برای آمریکا وجود ندارد که متوجه شود دوقطبی‌سازی - مقاومت در حال رخت بر بستن از افکار عمومی ایران است و فضای افکار عمومی در حال یکپارچه شدن به نفع مقاومت به گونه‌ای است که بازگشت از آن دیگر هرگز بسادگی میسر نخواهد بود. برخی پیمایش‌های افکار عمومی جدید در ایران نشان می‌دهد مردم مقاومت را هم مطلوب و معقول می‌دانند و هم عقیده دارند مقاومت صرفاً یک پاسخ به دشمن نیست، بلکه راه‌حلی برای مشکلاتی که دشمن ایجاد کرده هم هست؛ ضمن اینکه راه‌حل بدیل یعنی سازش به طور کامل بی‌اعتبار شده و این چیزی است که بازیگران اصلی آن نیز بدان اعتراف می‌کنند. اجتماعی شدن مقاومت و غرور و افتخار ناشی از آن برخی معادلات زیرین سیاسی و اجتماعی را در ایران جابه‌جا خواهد کرد و این می‌تواند به نحو بنیادین رشته‌های غرب را در کشور - که برای بافتن آنها زحمات زیادی کشیده‌اند - پنبه کند.

۵- و در نهایت به این نکته هم باید اشاره کرد که نظام جمهوری اسلامی مهارت بالایی در مدیریت و کنترل تنش و استفاده موثر از ابزارهای قدرت خود بدون افتادن در دام طراحی‌های طرف مقابل نشان داده که باید آن را به مثابه یک مهارت راهبردی در نظر گرفت و تقویت کرد. در ماه‌های گذشته شجاعت، عقلانیت، ریسک‌پذیری و خردمندی با مهارتی بالا هم ترکیب شده و البته خداوند نیز به آن برکت داده است. رشد این مهارت نرم‌افزاری و توان طرح‌ریزی و اجرای نقشه‌های پیچیده در زمان کوتاه، صرف نظر از روندهای جاری، یک سرمایه مهم برای آینده خواهد بود.

افول موریانه وار

ظهور و نابودی تمدن‌ها فرآیندی زمان‌بر و طولانی است. در این بین روند رو به زوال استکبار نیز از این قاعده مستثنی نیست. بدیهی است زوال ارکان فکری و تمدنی آمریکا به عنوان ویرترین تمدن غرب، ابتدا باید در نگاه دین‌داران و ظلم‌ستیزان عالم شکل بگیرد، که خوشبختانه در طول چهار دهه اخیر، این اتفاق در بسیاری از کشورهای اسلامی و ملت‌های آزادی‌خواه و مردم‌ظلم‌ستیز شکل گرفته است. رهبر معظم انقلاب اسلامی با اشاره به چنین موضوعی می‌فرماید که "به‌وضوح امروز آمریکا، در این منطقه ضعیف‌تر از ده سال پیش و بیست سال پیش است؛ به‌وضوح رژیم صهیونیستی خبیث، امروز ضعیف‌تر از گذشته است... امروز ملت ایران و کشور ایران یک درخت تناور است؛ امروز آمریکا و رژیم صهیونیستی غلط می‌کنند که ملت ایران را تهدید کنند؛ تهدیدهای آن‌ها، حرکات آن‌ها، خباثت‌های آن‌ها تا امروز شکست خورده است، از این پس هم شکست خواهد خورد؛ تحریم هم شکست خواهد خورد، سیاست‌هایشان هم شکست خواهد خورد؛ به برکت مقاومت. بنابراین آمریکا رو به افول است؛ این را همه بدانند. آن کسانی هم که به پشتیبانی آمریکا حاضرند مسئله‌ی فلسطین را در این منطقه به کلی فراموش کنند، بدانند آمریکا رو به افول است."^{۱۲}

زمانی که جرج بوش پدر به ریاست جمهوری آمریکا رسید او در سال ۱۹۹۱ شاهد فروپاشی شوروی بود این شرایط بیرونی او و برخی از نخبگان سیاسی و متفکران آمریکا را بر آن داشت تا نظم دو قطبی پس از جنگ دوم جهانی را پایان یافته بدانند. بوش پدر پس از فروپاشی شوروی هژمونی آمریکا و یک قرن آمریکایی را اعلام کرد که جهان با فرهنگ، نظم و ارزشهای آمریکا زندگی میکند.

بوش پسر نیز راه او را به شکلی دیگر ادامه داد و با استفاده از نظریه پایان تاریخ فوکویاما و برخورد تمدن‌های هانتینگتون با اعلام تولد تروریسم سازمان یافته به عنوان دشمن جدیدی بعد از شوروی، به عراق و افغانستان حمله کرد. اما دیری نپایید که نشانه‌های دیگری ظهور کرد که خلاف نظریه هژمونی آمریکا بود. نوام چامسکی معتقد بود افول

۱۲- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۰۵/۰۳.

آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم شروع شده و لفاظی های رهبران آمریکا از سال ۱۹۹۰ نوعی «خود توهمی» (self-delusion) بوده است.^{۱۳}

بین افول و فروپاشی تفاوت وجود دارد. افول مقدمه فروپاشی است اما نشانه های آن نامحسوس تر است. قدرت مورد نظر به لحاظ ظاهری تمام نشانه های یک قدرت قوی و تقریباً شکست ناپذیر را حتی بیشتر از قبل دارد اما از درون، ساختارهای اقتصادی و سیاسی آن ضعیف و سست می شود. مفهوم افول موریانه ای (termite decline) توسط تد گالن از موسسه CATO پیشنهاد شد و اولین بار در سال ۲۰۱۸ کریستوفر لین در مقاله خود با عنوان «تغییر قدرت ایالات متحده و چین و پایان پاکس آمریکانا» برای اشاره به افول قدرت آمریکا استفاده کرد. او در این مقاله بیان میکند رکودی که در سال ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ رخ داده در حقیقت به پایان نرسیده است.^{۱۴}

افول آمریکا از اقتصاد شروع شده و مانند موریانه ای آرام در حال پیشروی است. "Pax Americana" اشاره به رهبری ایالات متحده در نظام جهانی شامل حوزه های وسیعی از شمال و غرب اروپا تا ترکیه، کره جنوبی و بیشتر مناطق آسیای شرقی و جنوبی تا فیلیپین و اندونزی و گستره ی آمریکای لاتین و بخش های از آسیای غربی دارد. همزمان با ظهور قدرتهای دیگر مثل چین قدرت آمریکا نیز از درون در حال فروپاشی است. این فروپاشی بر چهارپایه اتفاق روی می دهد که پاکس آمریکانا بر اساس آن شکل گرفته است: قدرت اقتصادی، قدرت نظامی، قدرت نرم و قدرت نهادی (رژیمی). آمریکا در سه منطقه مهم نیاز به حفظ هژمونی استراتژیک خود دارد، اروپا، خاورمیانه و شرق آسیا. با ظهور چین هژمونی آمریکا در شرق آسیا به چالش کشیده شده است. اندیشکده RAND جزو اتاق فکری است که تولیدات علمی آن برای جمهوریخواهان و سیاست گذاری آنها بسیار مهم است راجر کلیف یکی از پژوهشگران امنیتی شرق آسیا در اندیشکده رند در کتاب خود میگوید تا سال ۲۰۲۰ نیروی نظامی چین تا حد زیادی با آمریکا برابر خواهد شد و پیش بینی میکند سلطه نظامی آمریکا در سال ۲۰۲۰ در شرق آسیا به طور قابل ملاحظه ای به نفع چین تخریب خواهد شد.^{۱۵}

نشانه های افول

هنری کسینجر سیاستمدار معروف آمریکایی در یکی از اظهارنظرهای اخیر خود گفت: فکر میکنم ترامپ یکی از شخصیت های تاریخی باشد که نشان دهنده پایان یک دوره است. ترامپ که متعلق به طبقه ثروتمند جامعه آمریکاست در تناقضی آشکار خود را نماینده طبقه پایین و کارگران یا همان طبقه یقه آبی که مشارکت سیاسی کمتری دارند اعلام میکند. «درک تامپسون» شاخصه های طرفداران ترامپ را کسانی میداند که دچار کینه نژادی و برخورد با بیگانه ها

۱۳ - <http://kayhan.ir/fa/news/۹۶۱۷۴>

۱۴ - <http://kayhan.ir/fa/mobile/news/۱۶۴۶۵۶/۱۶۱۱>

۱۵ - <http://www.bloghnews.com/doc/report/۳۹۶۱۳۷>

(اقلیتهای قومی و نژادی و مهاجران) هستند. تامپسون مشخصه اصلی آنها را خشم می‌نامد. یهودا گرنشتاین در تحلیلی این وضعیت را تغییر نظم جهانی از ائتلافهای عمودی چپ و راست به ائتلافهای افقی طبقه کارگر و حاشیه نشین بر ضد الیتهای جهانی مانند شرکتهای چند ملیتی و در نهایت شیفت حاکمیتی از نهادهای بین‌المللی به سوی توافقات دوجانبه میداند که نظم تک قطبی را به چالش میکشد.^{۱۶}

آمریکا در پایان جنگ افغانستان و عراق ۷ تریلیون دلار بدهی داشت اما این بدهی در پایان سال ۲۰۱۸ به ۲۱/۵ تریلیون دلار رسید. بر اساس پیش‌بینی فدرال رزرو بدهی آمریکا در سال ۲۰۲۰ به نزدیک ۲۴ تریلیون دلار خواهد رسید. در کنار آن اگر چه در سال ۲۰۱۸ با ۲۰/۵ تریلیون دلار تولید ناخالص داخلی ۲۴ درصد اقتصاد جهان در اختیار دارد اما صندوق بین‌المللی پول در ارزیابی شش ماه پیش خود پیش‌بینی کرد در سال ۲۰۲۱ سهم چین از اقتصاد جهانی با بیش از ۲۳ تریلیون دلار از آمریکا پیشی بگیرد و سهم آمریکا از اقتصاد جهانی به زیر ۲۰ درصد برسد.

در حال حاضر نیز بر اساس شاخص برابری قدرت خرید که یک شاخص معتبر در اندازه‌گیری قدرت اقتصادی است چین با ۲۷ تریلیون دلار رتبه اول در جهان و آمریکا با ۲۰ تریلیون دلار فاصله معنی‌داری با اقتصاد چین دارد. آمریکا در شاخص قدرت نرم که یکی از چهار ستون رهبری جهانی آمریکاست از سال ۲۰۱۶ تا کنون در حال سقوط است و از رتبه اول آمریکا به رتبه چهارم تنزل یافته است. با سیاستهای ترامپ این سقوط در سالهای آینده با سرعت بیشتری ادامه پیدا میکند. آمریکا تا سال ۲۰۱۸ رقابتی ترین اقتصاد جهان بود که مزیت‌های بسیاری برای سرمایه‌گذاری و کسب و کار داشت اما طبق آخرین رتبه‌بندی IMD در سال ۲۰۱۹ عنوان رقابتی ترین اقتصاد جهان را از دست داد و به رتبه سوم نزول کرد.

ترامپ در سند امنیت ملی ۲۰۱۷ به تحلیل قدرت آمریکا اعتراف میکند و برای جبران آن استثناگرایی آمریکایی را در دستور کار خود قرار میدهد اتخاذ این استراتژی نشانه مشخصی از عصر افول آمریکاست که تلاش میکند برای جلوگیری از فروپاشی، بعد افراطی از هویت آمریکایی را بر جهان تحمیل کند. همچنین با نوانزوگرایی سعی نموده افول آمریکا را به تاخیر بیندازد و در این جهت برای کاستن از بار تعهدات و هزینه‌ها از پیمان آب و هوایی پاریس، یونسکو، قرارداد تجارت تسلیحات، پیمان مهاجرتی سازمان ملل متحد و پیمان تجاری شراکت فراتلانتیک (TPP) خارج شد اما خروج از این پیمانها قدرت رهبری آمریکا و نفوذ جهانی آنرا به میزان قابل ملاحظه‌ای کاهش خواهد داد و در بهترین حالت در دهه ۲۰۳۰ در یک جهان چند قطبی یکی از چند قدرت جهانی با کاهش نفوذ در مناطق استراتژیک جهان خواهد بود.^{۱۷}

۱۶ - <http://alwaght.com/fa/News/۱۵۵۷۲۷>

۱۷ - <http://www.bloghnews.com/doc/report/۳۹۶۱۳۷>

آیه ۱۷ سوره رعد، باطل را به کف روی سیلاب تشبیه کرده است که با فرو نشستن سیلاب از بین می‌رود. بی شک نظام سلطه و استکبار هم از این قانون مستثنی نیست و لوازم و شرایطی دارد که یکی از آنها پایمردی و استقامت اهل حق و حقیقت است.

نتیجه گیری

دشمنی نظام سلطه با انقلاب اسلامی حاصل به خطر افتادن منافع مادی و قدرت نرم آنها در منطقه و جهان بوده است. اما در کشمکش نظام سلطه به رهبری آمریکا به انقلاب و نظام اسلامی به رهبری امامین انقلاب، انقلاب اسلامی توانسته است روز به روز پویاتر و بالنده تر گردد. انهدام پهپاد آمریکایی و توقیف نفتکش انگلیسی در این چند ماهه ی اخیر نشان از ضعف و زبونی آنها و توانمندی نظام اسلامی دارد. بی شک دشمنی آنها نیز در این مرحله متوقف نخواهد گردید بلکه شاید آنگونه که رهبر معظم انقلاب در سال ۹۷ فرمودند: ممکن است پیچیده تر و منسجم تر گردد. اما اینکه راهکار چه می تواند باشد را شاید اینگونه از کلام حضرت امیرالمومنین (ع) پاسخ داد که "وَإِنَّ أَخَا الْحَرْبِ الْأَرْقُ وَ مَنْ نَامَ لَمْ يُنْمَ عَنْهُ" و همانا برادر جنگ، بیداری و هوشیاری است، هر آن کس که به خواب رود، دشمن او نخواهد خوابید. " ۱۸.

۱۸- نامه ۶۲ حضرت امیرالمومنین (ع) در نهج البلاغه به مردم مصر.